

خوانش جنسیتی گردشگران ایرانی از فضاهای باز شهری اروپایی

نمونه موردی: فضاهای باز شهری در فرانسه و ایتالیا

هانی ارجمندی

پژوهشگر دکتری معماری، پژوهشکده نظر

Honey.Arjomandi@gmail.com

چکیده

بسیاری از فضاهای شهری امروز ما را فضاهای جنسیتی فرا گرفته‌اند. جنسیتی شدن فضا به معنای محروم شدن گروهی از مردم، برای حضور و بهره‌وری از آن فضا است. از بین بردن فضاهای جنسیتی و فراهم کردن شرایط برای حضور همگان در فضاهای شهری در قدم اول نیازمند توانایی شناسایی مؤلفه‌های جنسیتی در فضا است. شناسایی این مؤلفه‌ها و به کارگیری یا حذف آن‌ها از فضاهای مختلف می‌تواند به تولید فضاهای شهری متعادل‌تری بیانجامد. از آنجایی که ادراک زنان و مردان از فضا با هم متفاوت است، کشف اولویت‌های ادراکی آنها در فضا می‌تواند زمینه‌ای بر شناسایی مؤلفه‌های جنسیتی باشد. مطالعه بر روی آثار معماری، هنری و ادبی زنان برای کشف مؤلفه‌های زنانه روش کشف این عناصر است. روش تحقیق در این پژوهش، مشاهدات میدانی، کتابخانه‌ای و مصاحبه با گردشگران ایرانی است که برای اولین بار فضاهای موزه ژورژ پمپیدو در شهر پاریس، میدان ماسنا در شهر نیس، میدان دل کامپو در شهر سیه‌نا و پله‌های اسپانیایی شهر روم را دیده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در میان فضاهای نام‌برده، فضای باز موزه ژورژ پمپیدو و میدان دل کامپو فضاهایی مردانه، پله‌های اسپانیایی فضایی زنانه و میدان ماسنا در شهر نیس یک فضای بدون جنسیت (متعادل) است.

واژگان کلیدی

جنسیت، ادراک فضا، فضای باز شهری، فضای زنانه و مردانه.

مقدمه

مؤلفه‌هایی است که همچون سن بر کیفیت ادراک و خوانش فضا تأثیر گذاشته و آن را تغییر می‌دهد (مک اندرو و براتی، ۱۳۸۷: ۴). فضاهای جنسیتی به فضاهایی گفته می‌شود که اجازه حضور همه شهروندان را در خود نمی‌دهد و تنها پذیرای قشر خاصی از مردم است. این در حالی است که فضاهای شهری با کیفیت باید بتوانند همه اقشار جامعه را در خود جای داده و آنها را پذیرا باشند. در این پژوهش پس از شناخت فرایند ادراک فضا و خوانش آن از دیدگاه یک گردشگر، به معرفی فضاهای باز شهری و چگونگی حضور و ایجاد رابطه با این فضاها میان زنان و مردان پرداخته شده است. در همین راستا به مسئله جنسیت و مؤلفه‌های جنسیتی این فضاها پرداخته شده و با روش‌های مختلف مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

فرایند ادراک و شناخت محیط از مهمترین مباحثی است که در سال‌های اخیر در حوزه شهری و معماری مطرح شده و توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. ادراک و یا خوانش فضایی یعنی کشف پیغام‌های پنهان در فضاهای معماری و یا شهری. این امر می‌تواند در طول سالیان، در ذهن مخاطبان یک فضا قرار گیرد و یا به عنوان انگاره‌های فضایی تأثیر خود را بر مخاطبان گذری بگذارد، مانند تأثیری که یک فضا می‌تواند بر گردشگران برای بار اول بگذارد. اما جنس و عمق ادراک در این دو مورد متفاوت است. یکی از مباحثی که در زمینه ادراک و تعامل با فضا بسیار حساس بوده و در سی سال گذشته نظر بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده، مسئله جنسیت و فضاست. با توجه به نظر بسیاری از اندیشمندان جنسیت از

سؤالات پژوهش

۱. مؤلفه‌های جنسیتی (زنانه) در فضا کدامند و چگونه می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد؟
۲. کدام یک از فضاهای مورد بررسی در این مقاله زنانه، مردانه و یا خنثی (بدون جنسیت) هستند؟

فرضیه پژوهش

برای تولید فضاهای متعادل (بدون جنسیت)، نیاز به شناخت مؤلفه‌هایی است که در ایجاد فضاهای جنسیتی مؤثرند. بدین ترتیب همچنین می‌توان به شناخت فضاهای زنانه، مردانه و بدون جنسیت نایل آمد.

روش تحقیق و معرفی نمونه‌های موردی

در راستای کشف تفاوت رویکرد و اولویت‌های زنان و مردان در فضاهای شهری، چهار فضای شهری در کشورهای ایتالیا و فرانسه به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش بر روش توصیفی-تحلیلی منطبق است و با رجوع به اسناد کتابخانه‌ای همچون کتب و مقالات پژوهشی و برداشت‌های میدانی، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و با توصیف آن‌ها مبانی اولیه پژوهش تدوین شده است. همچنین با انجام مصاحبه با یک جامعه آماری مشخص، اطلاعات مورد نیاز پژوهش بدست آمده و گردآوری شده است. تعداد افراد مصاحبه‌شونده ۲۶ نفر گردشگر ایرانی است که برای اولین بار از این فضاها دیدن کرده‌اند. از این تعداد بازدیدکننده و مصاحبه‌شونده، نیمی زن و نیمی مرد بوده و فضاهای مورد بازدید شامل فضای باز مقابل موزه ژورژ پمپیدو در شهر پاریس، میدان ماسنا در شهر نیس، میدان دل کامپو در شهر سینا (ایتالیا) و پله‌های اسپانیا در شهر روم هستند.

چارچوب نظری پژوهش

• ادراک فضا

هر پدیده دارای دو جنبه ادراکی و ساختاری است. جنبه ساختاری به طور عام و خارج از متعلقات فرهنگی و اجتماعی قابل شناسایی بوده و کاملاً هویدا بوده، اما جنبه ادراکی به دلیل اختلاط با فرهنگ و تاریخ هر قوم به عنوان یک پدیده پویا و غیر آشکار، متأثر از عوامل مختلف اجتماعی و فردی است. معماری در این میان با گام نهادن به بعد دوم یعنی ادراک است که معنا می‌یابد (دیباج و سلطان‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۱). می‌توان نتیجه گرفت در هنر معماری ایده پرداز و طراح اثر در یک سو، پیامی را در قالب فرم عرضه می‌کند و از سوی دیگر، ناظر به روزگشایی از معنای عرضه شده می‌پردازد (بهبودی، ۱۳۹۱: ۴۲). این توصیف نه تنها برای هنر معماری، بلکه در سایر حوزه‌ها از جمله صنعت گردشگری نیز مصداق دارد. در صنعت گردشگری پیام مقصد از دید گردشگر و احساسات برانگیخته شده وی از تجربه مقصد و در بیانی کلی ادراک او نسبت به مقصد که از آن تحت عنوان «انگاره مقصد گردشگری» یاد می‌شود، عنوان گسترده و با ادبیاتی غنی است و نتایج حاصل از بررسی و سنجش آن به شکل مستقیم مورد استفاده متخصصین این حوزه است (Jenkins, 1999).

در ادبیات گردشگری، انگاره نمایانگر مجموعه‌ای از عقاید، نگرش‌ها و احساساتی است که یک شخص یا گروهی از افراد از یک واقعیت بیرونی دارند. این واقعیت بیرونی می‌تواند یک شرکت، محصول، برند، مکان و یا یک شخص باشد. این احساسات می‌تواند صحیح یا غلط، واقعی یا خیالی باشد اما در هر صورت انگاره‌ها هدایت‌کننده و شکل‌دهنده رفتار هستند (Barich & Kotler, 1991). به شکل خلاصه می‌توان گفت که انگاره در

مجموعه‌ای از روابط میان مردم است. بنابراین فضای شهری، عنصر اساسی ساخت شهر است که با قلب و کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می‌شود (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۳). تنوع تعاریف درباره مفهوم فضای شهر که در طول سی سال گذشته با مقوله طراحی شهری پیوند خورده است، بیانگر طبیعت تعریف نشده آن است (شورچ ۱۹۹۹، الین ۱۹۹۶، مودن ۱۹۹۲، برادبنت ۱۹۹۰، گاسلینگ و میت لند ۱۹۸۴) و نیز معنای چند لایه آن را معرفی می‌کند. (Madanipour, 1998) وی همچنین یادآور می‌شود که طراحی شهری به عنوان مدیریت فضایی تنها ابزاری برای دستیابی به اهداف است. «مدنی پور» از وظایف طراحی شهری به «امکان استفاده همه شهروندان» و «نوآور» بودن و «فضایی» بودن را پیشنهاد می‌کند (همان: ۳۷۰).

در گردشگری نیز وضع به همین گونه است. یک مقصد، یک مکان و یا اجزای یک مقصد (مانند معماری یا یک شهر) به خودی خود حامل پیامی است و هنگامی که گردشگر شهر را تجربه می‌کند ادراکی ویژه از شهر در او شکل می‌گیرد (انگاره) که این ادراک نه تنها اطلاعات خاصی از شهر مورد بازدید به او می‌دهد بلکه احساسات و عواطف او را نیز جهت می‌دهد و تا آخرین لحظات سفر و حتی بعد از آن این ادراک در خاطر او باقی خواهد ماند. در مجموع فضاهای شهری به واسطه متأثر بودنشان از طراحی شهری و وظیفه‌ای که در خلق فضاهای همگانی با کیفیت و کانون مراودات اجتماعی دارند، می‌باید امکان استفاده همه افراد را ایجاد کرده و مفهوم عدالت را که از عناصر تأثیرگذار در کیفیت فضاهای شهری است، دارا باشد. این عدالت گویای مفهومی است که زنان، مردان، کودکان، سالمندان و معلولین حق استفاده از کلیه فضاهای عمومی شهر را داشته، تجربه آنها در این فضاها باید با کیفیت بوده و تصویر ذهنی ایجاد شده برایشان منحصر به فرد. حال چگونه می‌توان برای این عدالت با رویکرد جنسیتی تلاش کرد؟ آیا زنان و مردان فضاهای شهری را به یک شیوه ادراک می‌کنند؟ عدالت جنسیتی چگونه در این فضاها تعریف می‌شوند؟

• جنسیت و فضای شهری

هنگامی که بحث بر سر امکان استفاده همه شهروندان از فضا به میان می‌آید، مسئله جنسیت به عنوان یک الگوی تعیین کننده مطرح می‌شود. جنسیت به عنوان یک مقوله اجتماعی و هم ساخته و متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه، با واژه «جنس» که عموماً برای بیان همان مقوله فقط از دیدگاه زیست‌شناختی بکار می‌رود، متفاوت است (الکوف ۱۹۹۶، فریدمان ۱۹۹۶، گیدنز ۱۹۹۹، مک داوول ۱۹۹۹، باتلر ۱۹۹۹، رندل ۲۰۰۰، کاستلز ۲۰۰۱، لپیژ ۲۰۰۳ و دیگران). ساختار و ارزش‌های جنسیتی مانند هر امر اجتماعی به شرایط زمان و مکان وابسته است و با تغییر بسترهای اجتماعی تحول می‌یابد. فضا چنان که در معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی

ادبیات گردشگری به معنای ادراک ماست از یک مکان یا جزئیات یک مکان. این انگاره می‌تواند احساسات و عواطف ما را برانگیزد و در نهایت در رفتار سفر ما تأثیر بسزایی داشته باشد. در حقیقت انگاره، نگاه به مکان و یا جزئیات مکان از دید بازدیدکننده و ناظر است (بهبودی، ۱۳۹۱: ۴۳). اگرچه تأثیر انگاره‌های محیطی بر گردشگران در احتمال بازدید مجدد فضا و همچنین تأثیر بر تصویر ذهنی خلق شده بر آنها بسیار مؤثر است، اما چگونه می‌تواند در ذهن گردشگران انگاره‌های مناسب و با کیفیت ایجاد کرد؟

گروتر (۱۳۸۶) اطلاعاتی را که از پدیده‌ها به شکل عام و از معماری به شکل خاص به ما می‌رسند، در دو سطح تقسیم بندی کرده است: اطلاعات زیبایی شناختی و اطلاعات معنایی. این دو نوع اطلاعات، تکمیل کننده یکدیگرند. اطلاعات زیبایی شناختی بیشتر احساسات ما را متأثر می‌کنند و جنبه عاطفی دارند، درحالی که اطلاعات معنایی خود اطلاعات و پیام را منتقل می‌کنند. این نوع از اطلاعات را می‌توان با مبحث ادراک شناختی در روانشناسی متناسب دانست. "گروتر" معتقد است که اطلاعات زیبایی شناختی فرایند احساس، ادراک و شناخت محیط، مهمترین و اساسی ترین مسئله‌ای است که در طراحی محیط شهری و معماری باید در نظر گرفت. بنابراین نتیجه می‌شود که برای ساخت محیط‌هایی که با ادراکات و رفتار انسان متناسب و سازگار باشند نیاز به شناخت رابطه بین انسان و محیط است. مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیط در یک موقعیت ویژه، محیط بالقوه‌ای را برای رفتار انسان در آن مکان ایجاد می‌کند.

• ادراک در فضاهای باز شهری

فضای شهری جزئی از ساخت شهر است که از کلیت هماهنگ و پیوسته برخوردار بوده و از حیث فیزیکی دارای بدنه محصورکننده است. این فضا باید واجد نظم و زیبایی باشد و برای فعالیت‌های شهر سازمان پیدا کند. به طور کلی فضاهای بازی که به عنوان نقاط عطف در میان بافت‌های مترکم ساختمانی، به ویژه در بافت‌های مسکونی در مقیاس‌های مختلف و به دلایل مختلف مانند تعدیل تراکم، ارتقای فرهنگ، تنوع و تغییر در فروم فیزیکی بافت و از این قبیل به وجود می‌آیند و نیز فضاهای بازی که در مقیاس شهر به عنوان نقاط عطف شهری منظور می‌شوند، جملگی را می‌توان فضاهای شهری معرفی کرد (جعفری و زهتابیان، ۱۳۸۵: ۲). همچنین مفهوم فضای شهری با رجعت به نظرات «کامیلو سیته»، «گدس»، «مامفورد» و سایر فرهنگ‌گرایان و طرفداران آمایش انسانی در شهر که در زنده نگهداشتن مفهوم و اثر فضای شهری خدمت بزرگی کرده بودند، متکی بر این استنباط بوده که فضای شهری به عنوان بخشی از ارگانیزم زندگی شهر با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فنی در حال تغییر مرتبط است. از طرف دیگر فضای شهری یک محیط اجتماعی دارد که دربردارنده

مردان نگرانند که قربانی جرم در فضاهای شهری شوند. همچنین «والنتین» اظهار می کند که زنان، فضا را زمانی به عنوان مکان خطر دریافت می کنند که رفتار مردم به ویژه مردان به گونه ای بی نظم به نظر برسد (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۶۱). ویژگی های ایجاد تداوم حیات جمعی در فضاهای عمومی شهری مطلوب، شامل تعاملات اجتماعی، جذب افراد در گروه های مختلف، امنیت اجتماعی و افزایش تحمل گروه های مختلف در فضا، جامعه پذیری بیشتر و فضایی فعال و سرزنده است (محمدی و آیت اللهی، ۱۳۹۴: ۸۴).

خوانش جنسیتی شهر مانند تصویری از رویکردی عینی است که طراحان شهری در صورتی که خواهان کسب اعتبار و اهمیت اجتماعی مناسب در محیط شهری باشند، باید اتخاذ کنند (ترلیندن، ۱۳۹۴: ۱۷۲). بدین معنا که برای کشف مؤلفه های جنسیتی باید به کشف روموز و نشانه های موجود در فضا پرداخت. «کریستین دورهوفر» برای اثبات این امر که معماری زنان با وجود این که هم راستا با معماری زمان خویش پیش می رفته است، عناصری زنانه را نیز در خود جای می داده، به بررسی آثار معماران زن پرداخته تا دریابد با وجود تمام تفاوت هایی که میان زنان و مردان وجود دارد آیا آنها چیزی را در معماری و طراحی شان متفاوت با مردان به کار می برده اند؟ بدین منظور وی چهار معمار زن را در چهار دوره و سبک متفاوت مورد بررسی و واکاوی قرار می دهد تا اصول و مبانی ای که بین آنها ممکن است مشترک باشد را کشف کند (جدول ۱).

نمی توان این معماران را به پیروی از عرف موروثی معماری متهم کرد. اما با توجه به تفاوت هایی که در واژگان آنها می توان دریافت، مقاومت در برابر پیروی از عرف معماری، حضور هرچه بیشتر طبیعت، سیالیت فضایی و تقابل با ایستایی، بی اعتقادی به نظم و خردگرایی مطلق، انعطاف پذیری و تقابل با معماری و اصول از پیش تعیین شده را در ادبیات و آثار آنها می توان مشترک یافت. همچنین این معماران درباره ضرورت اعتراض به یکسونگری فلسفه معماری و قطبی شدن آن و همچنین به سلسله مراتب جنسیتی اشتراک نظر دارند. در حین خوانش فمینیستی از چنین موضوعی، سه نظریه پرداز، «لوس ایریگاری»، «ژولیا کریستوا» و «الن سیکسو»، عناصری که می توانند زمینه ساز ترکیب زبان زنانه و زبان معماری (فضای معماری) باشند را اینگونه نام می برند (جدول ۲).

به جز نظریه پردازان درگیر خوانش فمینیستی از نظریه روان کاوی، متفکرانی همچون «هومی بابا» و «گایاتری چاکراوورتی اسپیواک» که در حوزه مطالعات پسااستعماری فعالند نیز هم پوشانی های وسیعی با حوزه مطالعات زنان برقرار ساخته اند (جدول ۳). از مطالعات اندیشمندان فمینیست و پست مدرنیست اینگونه می توان نتیجه گیری کرد که عناصری همچون طبیعت، سیالیت،

و ... تعریف می شود، مقوله ای است از یک سو کالبدی - فضای سه بعدی فیزیکی - و از سوی دیگر اجتماعی (کریر ۱۹۷۹، لوفور ۱۹۹۱، مک داول ۱۹۹۶، رندل ۲۰۰۰، اردنر ۱۹۹۷، تور ۲۰۰۰ و دیگران). دو جنبه ای بودن فضا در واقع تأکیدی است بر آن که فضای فیزیکی تجلی نظام اجتماعی است و اینکه نظام اجتماعی در فضای کالبدی تجسم می یابد. فضای کالبدی برای به تصویر کشیدن ارزش ها و مناسبات اجتماعی به تعریف مناسبات جنسیتی می پردازد و این موضوع ارتباط همبسته میان «جنسیت» و «فضا» را بیان می کند (درنینگ و رایلی ۲۰۰۰، اردنر ۱۹۹۷، هیلز ۲۰۰۰، رندل ۲۰۰۰). رابطه میان فضا و جنسیت دو سویه است، به این معنی که همان گونه که فضا بازتاب های جنسیتی دارد، در مقابل، مناسبات جنسیتی نیز از فضا تأثیر می پذیرد. هلن هیلز (Hills) در این خصوص معتقد است: «فضا، به عنوان جنبه ای اساسی از فرهنگ مادی، از آن رو دارای اهمیت است که در تعریف جنسیت نقشی اساسی ایفا می کند. فضا تعیین می کند که چگونه زنان و مردان با یکدیگر همراه یا از یکدیگر جدا شوند. سازماندهی فضایی، مفاهیم جدیدی را در مورد جنسیت و پیکر انسان تولید، بازتولید و ارائه می کند.» (زرین پناه، پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۳۴). در اینجا منظور از فضا، فضای سنتی ای که طراحی می شود نیست بلکه صحبت از فضایی است که در خلال فعالیت های روزانه کشف، استفاده و اشغال می شود. ماسی (Massey) معتقد است حقوق شهروندی و فضاهای عمومی ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند و در بیشتر فرهنگ ها زنان به خصوص زمانی که تنها باشند نمی توانند از فضاهای عمومی شهر به راحتی استفاده کنند (Massey, 1994).

• رابطه جنسیت و ادراک فضا

همانطور که قبل تر گفته شد از آنجا که میان رویکردهای زنان و مردان نسبت به جهان تفاوت وجود دارد، اولویت های آنها درباره شناخت و درک محیط و فرایند ادراک و شناخت آنها متفاوت است. به بیان دیگر کلیات و اجزای محیط توسط مردان و زنان به شکل های متفاوتی درک می شوند (براتی، ۱۳۸۹: ۳۵). تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که زنان و مردان به گونه ای مسالمت آمیز در فضا با یکدیگر همزیستی می کنند و تجربیات متفاوتی از آن دارند. به عنوان مثال استیونسون معتقد است زنان، فضاهای شهری را به امن و نامن تقسیم می کنند و این امر باعث می شود که زنان بتوانند به راحتی در برخی از فضاها حضور داشته باشند و در برخی فضاهای دیگر تنها با حضور دیگران و یا توسط خودرو عبور کنند (استیونسون، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۷). به این ترتیب مسئله ترس از رفتارهای جنسی بر زمینه ادراکات و بهره گیری زنان از فضاهای شهری تأثیرگذار است و ترس زنان دانش جرم شناسی را به این نتیجه رسانده است که زنان بیشتر از

جدول ۱: ویژگی‌های معماری چهار معمار زن. مأخذ: ترلیندن، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۴۰.

نام معمار زن	دوره زندگی	سبک معماری	ویژگی‌های معماری
آیلین گری	۱۸۷۸-۱۹۷۶	مدرنیسم	اهمیت استفاده از نور و رنگ و طبیعت، انعطاف پذیری، توجه توأمان به کلیات و جزئیات، ارتباط وسیع با فضاهای اطراف، بی اعتقاد به استانداردهای و هنجارها (برخلاف نظریات لوکوربوزیه)، تأکید بر سرزندگی فضا، ترکیب عقل و احساس در یک واحد پیچیده.
لوسی هیلبرانت	۱۹۰۶-۱۹۹۷	کلاسیک دهه ۵۰-۶۰ آلمان	حرکت رقص وار در فضا، هماهنگی با طبیعت، بی اعتقاد به معماری از پیش تعیین شده، بی اعتقاد به معماری راست گوشه، مخالف با نظم خشک تقارنی، نیروهایی در تقابل با مدرنیسم.
ایتسوکو هاسه گاوا	۱۹۶۴	های تک	بی نظمی، حضور حتمی عناصر طبیعی (معماری طبیعت ثانوی)، شفافیت، انعطاف-پذیری، بی اعتقاد به خردگرایی مطلق، جایی برای شنیدن موسیقی هستی.
زاهای حدید	۱۹۵۰	واساخت‌گرا	رمزآلود، معلق بودن و ناآرامی، سیالیت فضایی (شناور بودن)، انعطاف‌پذیری، پویایی و بی اعتقاد به ساختارهای ایستا.

جدول ۲ و ۳: عناصر زمینه‌ساز ترکیب زبان زنانه و فضای معماری. مأخذ: نگارنده برگرفته از بصیرت، ۱۳۹۲: ۳۳.

نظریه پرداز فمینیست	مفاهیم زنانه
لوس ایریگرای	طبیعت، عاطفه، تخیل، محسوسات، سیالیت، ایدئولوژی
ژولیا کریستوا	تبلور فیزیکی مقولات غیرعقلانی (محسوسات)، زیبایی‌شناسی ناخودآگاه، تمرکز بر فضای زهدان گونه: مبلغ تکرار و جاودانگی و ابدیت
الن سیکسو	پردازش مفاهیمی با قابلیت عینی شدن و میل به زیستن خود (عدم تمایل به الگوبرداری)

نام نظریه پرداز پست مدرن	مفاهیم زنانه
هومی بابا	فضاهای نامتعیین، فضاهای به شدت مفصل‌بندی‌شده، فضاهای مقرر شده در سرحدات، عناصر درهم درگیر سازنده فضا و پوسته‌های زیر هم خزیده
گایاتری چاکراوورتی اسپیواک	فروپاشی هویت‌های مرکزگرا، حاشیه‌آویی و عدم وجود بافت یکدست برآمده از هویت‌های خودبسنده

یا معماران برخاسته است. این مؤلفه‌ها را می‌توان مؤلفه‌های زنانه نامید و استفاده‌های گسترده‌ای از آنها کرد. به این معنا که اگر سیالیت فضایی مؤلفه‌ای زنانه بوده پس گرایش زنان برای حضور در فضایی شامل این مؤلفه، بیشتر بوده و به لحاظ کیفی آن فضا با اقبال گسترده‌تری برای حضور زنان مواجه خواهد شد. این مسئله درباره مؤلفه‌های مردانه هم صادق است. بنابراین برای ایجاد تعادل جنسیتی در فضا استفاده از چنین مؤلفه‌هایی می‌تواند بسیار کارآمد باشد. براساس تقسیم‌بندی‌های مذکور، این مؤلفه‌ها عبارت است از طبیعت، سیالیت فضایی، انعطاف‌پذیری، تقابل با نظم مطلق، تقابل با معماری از پیش تعیین شده، مفهومی‌تر و آبستره‌تر بودن.

عدم تمایل به الگوبرداری و عدم تمایل به مرکزگرایی را می‌توان به عنوان مؤلفه‌هایی برشمرد که در آثار زنان مشخص‌تر و آشکارند. «مریدی» و «تقی‌زادگان» با مطالعه بر روی آثار نقاشی زنان و مردان و بررسی متغیرهای مختلف در آنها، به این نتیجه رسیده‌اند که آثار زنان نسبت به آثار مردان، آبستره‌تر، سمبولیستی‌تر، شفاف‌تر و پرتزئین‌تر بوده و مردان بیشتر آثارشان رئالیستی، اکسپرسیونیست^۱ و چند عنصری است (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۸۸: ۱۴۶). پس به طور کل این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برخی آثار زنان که به زعم صاحب‌نظران با آثار هم عصر خود تفاوت‌هایی دارند و حاوی جنبه‌های منحصر به فردتری هستند، مؤلفه‌هایی را می‌توان یافت که از جنبه زنانگی آن هنرومندان و

مشکی، مسیرها را به سمت مراکز خرید و کافه‌ها هدایت می‌کند. وجود مجسمه‌هایی در میدان که بر روی پایه‌های بلندی هفت مرد زانو زده را نشان می‌دهد و اشاره به هفت قاره دارد و توسط هنرومندی با نام ژام پلنسا^۲ طراحی و اجرا شده‌اند، نیز چشم‌نواز است. در گوشه دیگری از میدان فواره‌هایی نیز با طراحی مدرن طراحی شده‌اند که بازدیدکنندگان می‌توانند در میان آنها حرکت کنند و با آب ارتباط برقرار کنند (تصویر ۳ و ۴).

میدان دل کامپو در شهر سیه‌نا: سیه‌نا، شهری دیگر از منطقه باشکوه توسکانی است، شهری که با صلابت بافت تاریخی خود را حفظ کرد تا تمدن عظیم خود را به رخ بازدیدکنندگان بکشد. یک میدان مرکزی در میان شکاف وسیع دره، بین سه زنجیره تپه، مسلط بر میدان به وجود آمده است. از قدیم این محل به تقاطع «سنگرندی» معروف بود.^۳ در اینجا کیفیت فضا به معنای واقعی کلمه، هماهنگی بی‌نظیر سیمای کلی میدان و همچنین هماهنگی و تضاد بین اشیا و عناصر معماری نسبت به هم و تأکید بر برج کلیساست. البته موضوع اصلی تأثیرگذاری فضا، شکل‌گیری بدنه میدان است. سطح شیب‌دار میدان دل کامپو که توسط جداره پنج طبقه محصور شده و به سمت کلیسا و برج ساعت جهت‌گیری کرده است، مهمترین ویژگی این میدان است (تصویر ۵ و ۶).

پله‌های اسپانیا شهر روم: پله‌های اسپانیا روم، یکی از دیدنی‌های روم، عریض‌ترین و طویل‌ترین پلکان کل اروپاست. این پله‌ها بین سال‌های ۱۷۲۵-۱۷۲۳ برای نزدیک کردن سفارت اسپانیا به منطقه مقدس واتیکان ساخته شده‌اند و میدان ترینیتا دی مونتی را به میدان اسپانیا پیوند می‌دهند.^۴ فضای باز شهری یکی از فضاهایی است که مردم در تمام طول سال برای گذران وقت از آن استفاده می‌کنند. بسیاری از کارناوال‌های هنری هم در این مکان شکل می‌گیرد؛ میدان پوپوله^۵ با داشتن ویژگی‌های عمومی

با یک چنین جمع‌بندی می‌توان عناصری هم‌چون نظم، هندسه، ایستایی فضا، سکون، فضاهای دستوری و از پیش تعیین شده و عقلانی بودن فضا را به مؤلفه‌های مردانه در فضا نسبت داد.

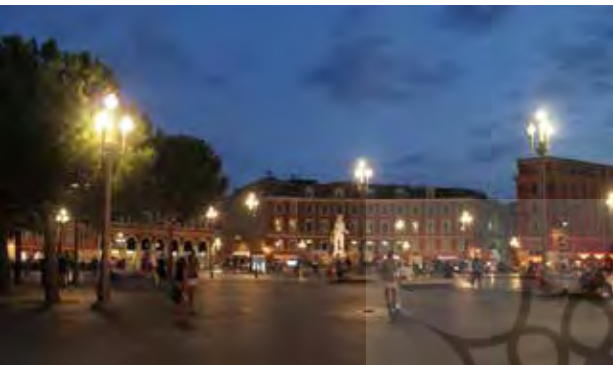
• معرفی نمونه‌های موردی

فضای باز موزه ژورژ پمپیدو: در سال ۱۹۶۹، ژورژ پمپیدو که به ریاست جمهوری رسید، تصمیم گرفت یک موزه جدید هنرهای مدرن بنا کند و زمین بوبور (Beaubourg) را به عنوان تنها مکان مهیا برگزید. اما این زمین تنها زمین احتمالی برای ساخت کتابخانه بزرگ عمومی بود. بنابراین در فوریه ۱۹۷۰ تصمیم بر این شد که دو پروژه در هم ادغام و در مرکز فرهنگی مورد نظر اجرا شود. در این مکان اثری از ماشین نیست و شهروندان در جهات مختلف میدان نشسته‌اند. اینجا محیطی است که انسان را به ماندن وامی‌دارد. در حقیقت ادراک شهروندان این محله مبنی بر ماندن و تأمل کردن است. تمامی عملکردهای درون میدان براساس حضور سیال عابران شکل می‌گیرد. اگر محیط باز را حذف کنیم، بسیاری از مکان‌های سرپوشیده و ساختمان‌های پیرامون بی‌معنا می‌شوند. در این مکان فضای آزاد گوشه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم پاریس را منعکس می‌کند (حائری، ۱۳۸۸: ۱۲۳)؛ (تصویر ۷ و ۸).

میدان ماسنا در شهر نیس: میدان ماسنا، میدان اصلی شهر نیس در کشور فرانسه است که بخش قدیمی و بخش جدید شهر را به هم پیوند می‌دهد. ساختمان‌های قدیمی اطراف میدان همگی با رنگ قرومز رنگ شده‌اند و کرکره‌های روی پنجره‌ها به رنگ آبی در آمده‌اند که مرسوم در کل منطقه است. در یک گوشه میدان، یک آب نما وسیع قرار دارد. وسعت میدان به گونه‌ای است که حتی محل تقاطع خیابان‌های مجاور را در آن نمی‌توان به راحتی درک کرد. کف‌سازی منحصر به فرد میدان با سنگ‌های سفید و



تصاویر ۷ و ۸: موزه ژورژ پمپیدو و فضای باز مقابل آن. عکس: هانی ارجندی، ۱۳۹۴.



تصاویر ۳ و ۴: میدان ماسنا و فضاهای باز اطراف آن. عکس: هانی ارجمندی، ۱۳۹۴.



تصویر ۵ و ۶: فضای باز میدان دلکامپو سیه نا.
عکس: سیده فاطمه مردانی، ۱۳۹۴.

میدانگاه‌ها و فضاهای گسترده و جمعی، هیچگاه نتوانسته است جای این فضا را بگیرد و جمعیت استفاده کننده از آن فضا را از آن خود کند (تصویر ۷ و ۸).

روش آزمون فرضیات

برای آزمون فرضیات ذکر شده، پس از بازدید از فضاهای مورد مطالعه، ۲۶ نفر (۱۳ زن و ۱۳ مرد) مورد مصاحبه و سؤال قرار گرفتند و تشخیص آنها در کشف عناصر زنانه و یا مردانه در فضا، مورد بررسی قرار گرفت.

سؤالاتی که از مخاطبان در غالب مصاحبه پرسیده شد، بررسی اولویت بندی آن‌ها پس از بازدید از فضاهای مذکور با متغیرهای فوق است.

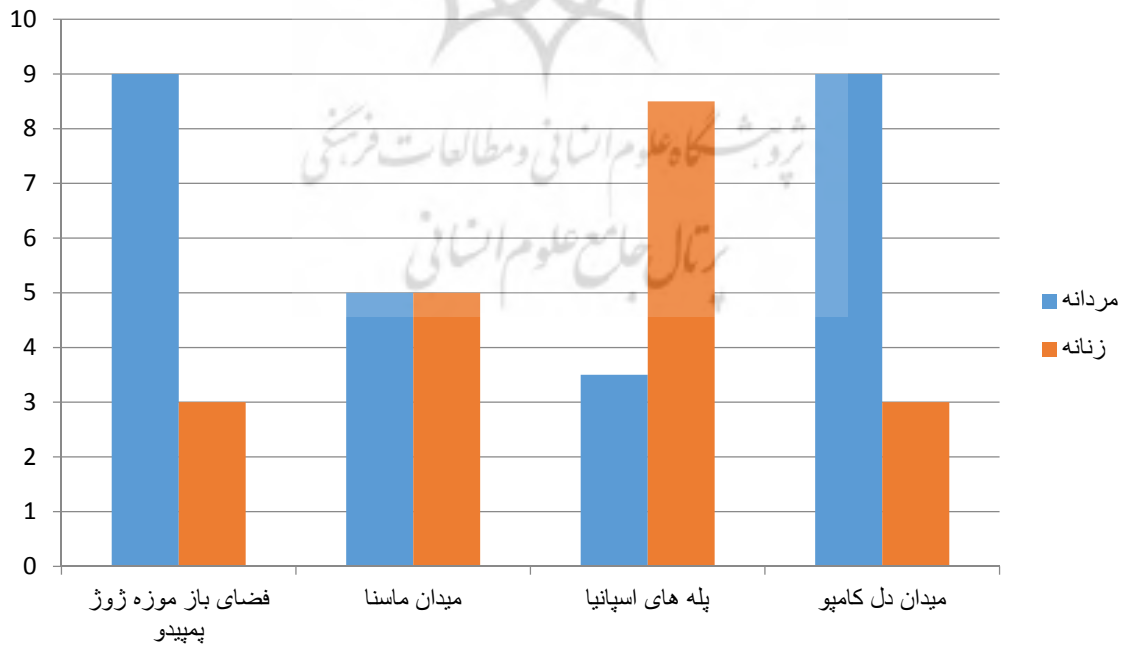
خلاصه یافته‌های پژوهش

پس از گردآوری پاسخ‌های ارائه شده توسط مصاحبه شونده‌گان درباره فضای باز موزه ژورژ پمپیدو، زنان و مردان هر دو پاسخ‌های یکسانی نسبت به ادراک این فضا داشته‌اند. به این شرح که عناصر فضایی در این محیط را بیشتر عناصر مردانه یافته‌اند. عناصری همچون نظم، سکون و هندسه، مهمترین عوامل انتخابی از سوی این گردشگران بود. درباره میدان ماسنای شهر نیس پاسخ‌ها اندکی متفاوت بوده‌است. بدین معنی که عناصری همچون طبیعت، سیالیت و انعطاف پذیری در این فضا به اندازه مؤلفه‌هایی چون هندسه، نظم و عناصر ساختاری فضا مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

درباره ادراک مؤلفه‌های فضایی در پله‌های اسپانیای شهر روم، عناصری چون سیالیت فضا، بی‌نظمی (تقابل با ایستایی) و انعطاف پذیری، بیشترین مواردی بودند که مورد توجه گردشگران قرار گرفت و در نهایت در میدان دل کامپو شهر سیه نا، نظم، ایستایی فضا، فضاهای دستوری و از پیش تعیین شده و هندسه، مؤلفه‌هایی بودند که در بازدید از فضا، نظر مخاطبین را به خود جلب کردند.



تصاویر ۸ و ۷. پله های اسپانیا شهر روم. عکس: هانی ارجمندی، ۱۳۹۴.



نمودار ۱. ادراک جنسیتی گردشگران ایرانی از فضاهای مورد بازدید. مأخذ: نگارنده.

نتیجه گیری

فضای مردانه می توان شناخت. بدست آوردن مؤلفه های جنسیتی در فضاهای شهری و معماری از این جهت حائز اهمیت است که باعث می شود فضاهایی که در شهرها عمدتاً به عنوان فضاهای جنسیتی (هم به لحاظ الگوهای ذهنی و هم به لحاظ عملکردی) شناخته می شوند، با افزودن مؤلفه های جنسیتی متعادل ساز، آن فضاها را به فضاهای بدون جنسیت و یا فراجنسیتی بدل کنیم. فضاهایی که هم زنان و هم مردان به لحاظ کیفی بهره ای یکسان از آنها برده و هیچ یک خود را در این فضاها بیگانه نپندارند. گاهی افزودن تنها چند المان ساده می تواند کیفیت یک فضا را به شدت تحت تأثیر قرار داده، آن را ارتقا بخشد و مفهوم عدالت را در آنها بیان نمایند. انجام پژوهش هایی در این زمینه و کشف مؤلفه های زنانه و مردانه چه در فضاهای شهری و چه در فضاهای معماری می تواند موجبات رضایتمندی افراد را فراهم آورد.

با پاسخی که از مصاحبه شوندگان بدست آمده است، می توان با این رویکرد نتایج را بررسی نمود که در فضا هرچه مؤلفه و عناصر زنانه بیشتر باشد آن فضا زنانه تر و هرچه عناصر و مؤلفه های مردانه افزون باشد، آن فضا مردانه تر است. همین مسئله نشان می دهد که مثلاً زنانه بودن یک فضا تنها توسط جنس مؤنث ادراک نمی شود بلکه مؤلفه هایی که در فضا وجود دارند مانند فرستنده هایی عمل کرده و کیفیت فضایی را افراد از راه گیرنده های فیزیکی یا حسی، ادراک می کنند. به بیان دیگر مردان نیز با شناخت مؤلفه های زنانه قادر به کشف، درک و تجربه مؤلفه های زنانه در فضا هستند. باتوجه به اهمیت اولویت بندی پاسخ ها، فضای باز موزه ژورژ پمپیدو، به عنوان یک فضای مردانه، میدان ماسنا یک فضای فراجنسیتی یا فضای بدون جنسیت^۶ (متعادل)، سپس پله های اسپانیایی را یک فضای زنانه و در مقابل آن فضای میدان دل کامپو را یک

پی نوشت

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری فرهنگ شهری» است که در سال ۱۳۹۴ به مسئولیت آقای دکتر سیدامیر منصوری در پژوهشکده نظر انجام گرفته و نگارنده به عنوان همکار طرح در سفر مطالعاتی و برداشت های میدانی طرح مذکور به مدت ۱۸ روز به اروپای غربی (فرانسه- ایتالیا) مشارکت داشته است.

۱. Expression

۲. Jaume Plensa

۳. www.etoood.com

۴. http://irgashat.com

۵. people

۶. Gender Neutral Space

فهرست منابع

- استیونسون، دیورا. (۱۳۸۸). شهرها و فرهنگ های شهری. ترجمه: رجب پناهی و احمد پوراحمد، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۹). ادراک محیط، نقش نسبیتهای روانشناختی در فهم محیط. مجله منظر، ۲(۱): ۳۴-۳۵
- براتی، ناصر و سلیمان نژاد، محمد علی. (۱۳۹۰). ادراک محرک ها در محیط کنترل شده و تأثیر جنسیت بر آن. فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، ۸(۱۷): ۱۹-۳۰.
- بصیرت، آرش. (۱۳۹۲). پیچیدگی های زبانی و معماری زنانه. ماهنامه نمایه تهران، ویژه نامه همایش زن، معماری و شهر: ۳۲-۳۳
- بهبودی، ریحانه. (۱۳۹۱). ادراک در معماری-مطالعه موردی سنجش ادراک گردشگری اروپایی از معماری ایرانی اسلامی-شهر اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، ۳: ۱۴-۸۴
- پارسی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). شناخت محتوای فضای شهری، مجله هنرهای زیبا، ۱۱: ۴۱-۴۹
- تانکیس، فرن. (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه اجتماعی مناسبات اجتماعی و شکل های شهری. ترجمه: حمید پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
- ترانه، یلدا. (۱۳۹۲). در مقاله با مردان خودخواه. ماهنامه نمایه تهران، ویژه نامه همایش زن، معماری و شهر: ۱۲-۱۳
- ترلیندن، اولا. (۱۳۹۴). شهر و جنسیت: گفتمان بین المللی درباره جنسیت، شهرسازی و معماری. ترجمه: مینوش صدوقیان زاده. تهران: نشر کلاغ.
- جعفری، مسعود و زهتابیان، شادی. (۱۳۸۵). خلق و توسعه فضاهای شهری، اولین همایش بین المللی شهربرتر، همدان: طرح برتر سازمان عمران شهرداری همدان.

- Alcoff, L.N. (1996). *Feminist Theory and Social Science, New Knowledge, New Epistemology, in Body Space, Destabilizing Geographies of Gender and Sexuality*. edited by N. Duncan, London & New York: Routledge.
- Ardener, Sh. (1997). *Women and Space: Ground Rules and Social Maps*, Oxford, New York: Berg.
- Butler, J. (1999) *Gender Trouble, Feminism and the Subversion of Identity*, Routledge.
- Durning, I., Wrigley, R. (eds.), (2000). *Gender and Architecture*, Wiley.
- Friedmann, J. (1996). *Feminist and Planning Theory: The Epistemological connection*. In S. Campbell and S. Fainstein (eds.), *Readings in Planning Theory*, Blackwell.
- Hills, H. (2000). *Architecture as Metaphor for the Body: The Case of the Female Convents in Early Modern Italy*. in, I. Durning, and R. Wrigley, (eds.), *Gender and Architecture*, Wiley.
- Krier, R. (1979). *Urban Space*, London: Academy Edition.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*, translation by Nicholson Smith, D. Blackwell.
- Lips, H.M. (2003). *A New Psychology of Women, Gender, Culture and Ethnicity*, second edition.
- Massey, D. (1994), *Space, Place and Gender*, Cambridge: Polity Press.
- Madanipour, A. (1998). *Tehran: The Making of A Metropolis*, Chichester: John Wiley & Sons Ltd.
- McDowell, L. (1996). *Spatializing Feminism, Geographic Perspectives*, in, N. Duncan, (ed.), *Body Space, Destabilizing Geographies of Gender and Sexuality*, London & New York: Routledge.
- McDowell, L. (1999). *Gender, Identity & Place, Understanding Feminist Geographies*, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- حائری، محمدرضا. (۱۳۸۸). *خانه فرهنگ طبیعت*. تهران: انتشارات وزارت مسکن شهرسازی.
- دیباج، سیدموسی، سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۷). *فلسفه و معماری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ذوقی توتکابنی، مهرانوش. (۱۳۸۸). *طراحی فضاهای معماری و شهری با تکیه بر نیازهای زنان*. همایش ملی زن و معماری. pad.um.ac.ir/file/view/۲۱۹۸۳۲۲
- زندل، جین و همکاران. (۱۳۷۹). *جنسیت، فضا، معماری*. یک معرفی میان رشته‌ای. انتشارات روتلیج.
- زرین پناه، نصیر و پوره‌اشمی، حسنا. (۱۳۹۲). *ساخت معمارانه جنسیت. ماهنامه نمایه تهران*، ویژه نامه همایش زن، معماری و شهر: ۳۴-۳۶
- سجادزاده، حسن و پیربابایی، محمدتقی. (۱۳۹۱). *فرآیند رخداد معنا در فضای شهری*. *مجله معماری و شهرسازی آرومانشهر*، ۹: ۱۷۷-۱۸۶.
- صدوقیان زاده، مینوش. (۱۳۹۲). *تعالی و امنیت. ماهنامه نمایه تهران*، ویژه نامه همایش زن، معماری و شهر: ۲۸-۳۱
- عزیزی، شادی. (۱۳۹۲). *درآمدی بر نسبت جنسیت در فضا. ماهنامه نمایه تهران*، ویژه نامه همایش زن، معماری و شهر: ۴-۷
- گی فورد، رابرت. (۱۳۷۹). *روانشناسی محیط‌های مسکونی*. ترجمه: وحید قبادیان. *مجله معماری و فرهنگ*، ۳(۲): ۷۱-۹۸
- لنگ، جان، (۱۳۸۱)، *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه: علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، محمد و آیت‌اللهی، محمدحسین. (۱۳۹۴). *عوامل موثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی*. *دوفصلنامه دانشگاه هنر*، ۱۵: ۷۹-۹۶.
- مریدی، محمدرضا و تقی‌زادگان معصومه، (۱۳۸۸)، *نقاشی زنان، نقاشی زنانه (مقایسه بکارگیری شگردهای بصری و سبک‌های هنری)*، پژوهش زنان، ۷(۱): ۱۲۹-۱۴۹
- مک اندرو، فرانسیس. (۱۳۸۷). *روانشناسی محیطی*. ترجمه: غلامرضا محمودی، تهران: انتشارات زریاف اصل.
- نقی زاده محمد. (۱۳۸۶). *ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی*. اصفهان: معاونت شهرسازی شهرداری اصفهان.